

(173)

احبای الهی و دوستان حقیقی و اماء رحمانی در جمیع بلدان و اقالیم در شرق و غرب علمیم بهاء الله الایہی

هو الله

ای یاران با وفا ای بندگان صادق حضرت بهاء الله نیم شب است و جمیع چشمها آسوده و کافه نفوس در بستر راحت سر بیالین نهاده مستغرق در دریای خوابند و عبدالبهاء در جوار روضه مبارکه بیدار و در نهایت تضرع و ابتهال مشغول بمناجات که ای پروردگار مهربان شرق در هیجانست و غرب در موج بی پایان نفحات قدس در انتشار است و انوار شمس حقیقت از ملکوت غیب ظاهر و آشکار ترتیل آیات توحید است و تموج ریایات تجرید بانگ سروش است و نهنگ محویت و فنا در خروش از هر کرانه ئی فریاد یا بهاء الایہی بلند و از هر طرف ندای یا علی الاعلی مرتفع و ولوله ئی در جهان نیست جز غلغله جلوه دلبر یکتا و زلزله ئی در عالم نه جز اهتزاز از محبت محبوب بی همتا احبای الهی در جمیع دیار با نفس مشکبار چون شمع روشنند و یاران رحمانی در جمیع اقالیم مانند گلہای شکفته از هر طرف چمن دمی نیاسایند و نفسی برنیارند جز بذکر تو و آرزوئی ندارند جز خدمت امر تو چمنستان حقیقترا بلبل خوش الحانند و گلستان هدایت را شکوفه های معطر بدیع الالوان خیابان حقایقرا طراحي گلہای معانی نمایند و جویبار هدایت را مانند سرو روان بیارایند افق وجود را نجوم بازغند و مطالع آفاقرا کواکب لامع مظاهر تأییدند و مشارق نور توفیق ای خداوند مهربان کل را ثابت و مستقیم بدار و الی الابد ساطع و لامع و پر انوار کن تا هر دمی از گلشن عنایت نسیمی وزد و از یم موهبت شبنی رسد رشحات سحاب محبت طراوت بخشد و نفحات گلشن وحدت مشامها معطر کند ای دلبر آفاق پرتو اشراقی ای محبوب جهان جلوه جمالی ای قوی قدیر حفظ و امانی ای ملیک وجود ظهور قدرت و سلطانی ای خدای مهربان در بعضی بلدان اهل طغیان در هوج و موجند و محرکین بی انصاف شب و روز در اعتساف ظالمان چون گرگ در کمین و اغنامی مظلوم و بی ناصر و معین غزالان بر وحدت کلاب در پی و تذروان کوهسار هدایترا غرابان حسد در عقب ای پروردگار حفظ و حمایت فرما ای حافظ حقیقی صیانت و حمایت کن در پناه خویش محروس دار و بعون خود از شرور مصون بدار توئی حافظ حقیقی و حارس غیبی و نگهبان ملکوتی و مهربان آسمانی

ای یاران الهی از جہتی رایت حق بلند است و ندای ملکوت مرتفع و امر الله در انتشار و آثار الهی واضح و آشکار شرق منور است غرب معطر است جنوب معبر است شمال مشک اذفر است و از جہتی بیوفایان در نہایت بغض و عدوان و در غایت فساد و طغیان هر روزی نفسی علم خلاف برافرازد و در میدان شہات بتازد و هر ساعتی افعیئی دہان بگشاید و سم قاتل منتشر نماید

احبای الهی در نہایت صدق و صفا و بی خبر از این حقد و جفا ماران بسیار نرم و پرمدارا و در نہایت وسوسه و دسیسہ و حیلہ و خداع بیدار باشید ہوشیار باشید المؤمن فطین و الموقن قوی و متین دقت نمائید اتقوا من فراسة المؤمن انه ينظر بنور الله مبدا کسی سرا رخنہ اندازد حصن حصین را سپاہ رشید باشید و قصر مشید را لشکر شجیع بسیار مواظب باشید و شب و روز مراقب گردید تا معتسفی صدمہئی نزنند لوح ملاح القدس را بخوانید تا بحقیقت پی برید و ملاحظہ نمائید کہ جمال مبارک وقایع آتیہ را از پیش بتمامہ خبر دادہ اند ان فی ذلک لعبرة للمتبصرین و موهبة للمخلصین عبدالہاء در آستان مقدس خاکسار و در نہایت خضوع و خشوع بیقرار شب و روز مشغول نشر آثار و اگر فرصتی یابد بمناجات پردازد و تضرع و تبتل و بیقراری نماید کہ ای پروردگار بیچارگانیم چارہئی فرما بیسر و سامانیم پناہی بخش پراکنده ایم مجتمع فرما بگلہ خویش پیوستہ کن بی نصیبانیم بہرہ و نصیب بخش تشنہ گانیم بچشمہ حیات دلالت کن ضعیفانیم قوتی دہ تا بنصرت امرت برخیزیم و در سبیل ہدایت جان فشانی کنیم اینست روش و پرستش بندہ جمال مبارک ولکن بیوفایان خفی و جلی لایلا و نہارا در کوشش اند کہ امر الله را متزلزل نمایند شجرہ مبارکہ را از ریشہ براندازند و این عبد مظلوم را از خدمت محروم نمایند و سرا فتنہ و آشوبی افکنند کہ عبدالہاء را بکلی محو و نابود کنند بظاہر اغنامند و در باطن گرگ درندہ بزبان شیرین و بدل سم قاتل ای یاران امر الله را محافظت نمائید بحلاوت لسان گول مخورید ملاحظہ کنید کہ مقصد هر نفسی چیست و مروج چہ فکر است فوراً آگاہ شوید و بیدار گردید و احتراز نمائید ولی ابداء تعرض ننمائید و نکتہ نگیرید و بمذمت پردازید او را بخدا واگذارید و علیکم الہاء الابیہی در بہجی شب

۲۶ محرم ۱۳۳۹

(عبدالہاء عباس)